

بررسی اثرات و تبعات حقوقی ازدواج سفید در حقوق ایران با نگاهی تطبیقی به قوانین و مقررات فرانسه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

مهتاب مقیمی^۱

دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب

آرش کامرانلو

دانشجوی مقطع دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق

چکیده

از جمله معضلات اخیر مطرح شده در حوزه حقوق خانواده، تهدید نهاد خانواده به واسطه پدیده ازدواج سفید است که خود، معلول عللی از جمله مشکلات اقتصادی، بالا رفتن سن ازدواج، مسئولیت گریزی و هزینه‌های ازدواج رسمی است. در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی تهیه و تنظیم گردیده است، با بررسی منابع فقهی و حقوقی حوزه حقوق خانواده از یک سو و همینطور قوانین و مقررات فرانسه از سوی دیگر به بررسی اثرات و توابع حقوقی ناشی از این ازدواج پرداخته شده است. نتایج و یافته‌های پژوهش موید این مطلب است که رابطه میان زن و مرد تحت لوای ازدواج سفید در حقوق ایران، در اموری نظیر نسب، حضانت، ولایت، نفقه، مهریه و ارث و نظایر آن تاثیرگذار بوده است و به واسطه اینکه از نظر شرعی، ازدواج سفید در حقوق ایران رسمیت ندارد و مشروع نیست، لذا رابطه میان زن و مرد نیز از نظر حقوقی و فقهی رسمیت نداشته و از منظر حقوق کیفری نیز قابل تعقیب است و همین مساله سبب بروز مشکلاتی نظیر عدم تعلق حق نفقه و مهریه به زن، عدم احراز نسب میان زن و مرد و فرزند ناشی از ازدواج و محرومیت از ارث و نظایر آن شده است، هرچند که اخیراً رویکردهای متفاوتی نسبت به حق نسب یا حق ارث مطرح شده

است اما فضای غالب حقوقی و شرعی، این رابطه را نپذیرفته است. این وضعیت در حقوق فرانسه متفاوت است و چون ازدواج سفید در حقوق فرانسه به رسمیت شناخته شده است، لذا روابط میان زن و مرد در قلمرو روابط قانونی قرار گرفته و تمامی اثرات آن نظیر مشروعیت رابطه، تعلق حقوق مالی نظیر نفقه و ارث و همینطور رابطه با فرزند ناشی از ازدواج در مدار قانونی و رسمی قرار تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: ازدواج سفید، اثرات حقوقی ازدواج سفید، ازدواج سفید در حقوق ایران، ازدواج سفید در حقوق فرانسه

مقدمه

با توجه به اینکه ازدواج سفید در دهه اخیر در حقوق داخلی به عنوان امری مبتلابه در آمده و رواج یافته است، اهمیت و ضرورت دارد که اثرات و تبعات این نوع از رابطه میان زن و مرد از نظر حقوقی، فقهی و قانونی مورد مطالعه و واکاوی قرار گیرد تا روشن شود که صرف همخانه شدن زن و مرد و رضایت آنها به زندگی مشترک، این رابطه را از آنچه که در حقوق کیفری زنا یا رابطه نامشروع تلقی می‌شود خارج خواهد ساخت و یا با مشکلات عدیده‌ای روبرو خواهد کرد. بنابراین هدف مطالعه این است که اثرات و تبعات این رابطه از نظر حقوق خانواده تبیین شود و اثر ازدواج سفید در مواردی نظیر ارث، مهریه، نفقه، نسب فرزند، هدایای دوران نامزدی، ممنوعیت‌های ازدواج و نظایر آن مورد بررسی قرار گیرد و نهایتاً این اثرات را با آنچه که در حقوق فرانسه ذیل ازدواج سفید رسمیت یافته است تطبیق خواهیم داد تا تفاوت آن با حقوق داخلی روشن گردد.

بخش اول: مفهوم ازدواج سفید

هم‌خانگی بدون ازدواج یا ازدواج سفید، پدیده‌ای است که دختر و پسر به عنوان هم‌خانه با یکدیگر زندگی می‌کنند، بی‌آنکه میان آنها از نظر حقوقی و فقهی پیوند رسمی ازدواج و رابطه زن و شوهری باشد. در این پدیده، دختر و پسر و یا زن و مرد مجرد به عنوان هم

خانه با یکدیگر زندگی می‌کنند، بی‌آنکه میان آن‌ها پیوند زن و شوهری باشد. اصطلاح ازدواج سفید برای توصیف زندگی مشترک بدون ازدواج رسمی است که نباید با نکاح عرفی یا ازدواج کامن‌لا یا عرفی اشتباه گرفته شود، در ایران دو تعریف متفاوت از این زندگی مشترک وجود دارد، در ایران گروهی می‌گویند مقصود از ازدواج سفید آن است که زوجین بدون عقد نکاح اقدام به ازدواج و تشکیل زندگی مشترک می‌کنند، اما منابع دیگری که عموماً غربی هستند، ازدواج سفید را زندگی مشترک بدون ازدواج یا ازدواج سفید را پیش‌زمینه‌ای برای بسیاری از ازدواج‌های رسمی مطرح می‌کنند. (انصاری، ۱۳۹۴: ۲) همچنین گروه دیگر در ایران آن را معادل هم‌باشی یا زندگی مشترک بدون ازدواج تعریف می‌کنند. البته نه تعریف گسترده‌تر آن که به معنی هم‌زیستی است، بلکه تعریف محدود به زندگی مشترک زناشویی بدون ازدواج، که طرفین همدیگر را همسر و متعهد به یکدیگر نمی‌دانند. کاربرد کهن‌تر «ازدواج سفید» در زبان فرانسه^۱ و انگلیسی^۲ می‌باشد که به معنی ازدواج بدون وصال یا ثبت شده و قانونی اما به دلایل مختلف حتماً بدون رابطه جنسی است. نام ازدواج سفید احتمالاً ریشه در سفید بودن ملحفه شب اول ازدواج داشته است. (Bliss, ۱۹۹۶: ۴۵۳)

بخش دوم: تفاوت رویکرد نظام حقوقی ایران و فرانسه در مورد ازدواج سفید

در این نوع ازدواج در حقوق فرانسه، این ازدواج به رسمیت شناخته شده است. گسترش ازدواج سفید در اروپا که در میانه دهه ۱۹۶۰ آغاز شد، در مرحله اول در شمال این قاره و در کشور سوئد به وقوع پیوست و پس از مقبولیتی که در این کشور پیدا کرد، در مرحله دوم، گسترش بیشتری یافت و در دهه ۱۹۷۰ به کشورهای مرکز اروپا مانند فرانسه اشاعه یافت. در حالیکه وقتی به ایران نگاه می‌کنیم می‌بینیم که ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده است و زن و مردی که با ازدواج سفید یک زندگی مشترک غیر رسمی را شروع می‌کند طبیعتاً با تبعات گریزناپذیر و تلخی هم مواجه می‌شوند و بعد از اطلاع دستگاه قانونی دینی و جامعه سنتی، مجازات خواهد شد حتی اگر بچه‌ای هم به دنیا بیاورد و چه خواسته و چه ناخواسته نطفه‌ای تشکیل شود، دچار دردسرهای فراوان خواهد شد. (آزاد

۱. White marriage.

۲. Mariage blanc.

ارمکی، ۱۳۹۱: ۱۲) از سویی دیگر باید گفت که در جمهوری اسلامی ایران، تنها ازدواج‌هایی به رسمیت شناخته می‌شوند که در دفاتر ازدواج ثبت شوند. (طاهری، ۱۳۸۴: ۳۵) در این نوع ازدواج‌ها تکالیف دو طرف مشخص است و هر اتفاقی که پس از ازدواج بیفتد قانون مسئولیت دو طرف را مشخص کرده است. همچنین در صورت بروز اختلاف یا موارد جرم با مراجعه به قانون می‌توان مسئله را پیگیری و حل کرد. اما در قانون جمهوری اسلامی به تبع دین اسلام، ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده است و طبیعتاً قانون نیز مسئولیت پیگیری تبعات آن را بر عهده نمی‌گیرد. در جمهوری اسلامی ایران، تنها ازدواج‌هایی به رسمیت شناخته می‌شوند که در دفاتر ازدواج ثبت شوند. در این نوع ازدواج‌ها تکالیف دو طرف مشخص است و هر اتفاقی که پس از ازدواج بیفتد قانون مسئولیت دو طرف را مشخص کرده است. همچنین در صورت بروز اختلاف یا موارد جرم با مراجعه به قانون می‌توان مسئله را پیگیری و حل کرد. اما در قانون جمهوری اسلامی به تبع دین اسلام، ازدواج سفید به رسمیت شناخته نشده و جرم محسوب می‌شود. طبیعتاً وقتی قانون اصل این ازدواج را جرم می‌داند هیچ گاه مسئولیت پیگیری تبعات آن را بر عهده نمی‌گیرد و با تبعات آن نیز همانند جرم برخورد می‌کند.

بخش سوم: اثرات و تبعات حقوقی ازدواج سفید

در این بخش به صورت تفکیکی به اثرات ازدواج سفید در امور مختلف حقوق حقوق خانواده اشاره کرده و موارد مذکور را با حقوق فرانسه تطبیق خواهیم داد.

بند اول: وضعیت نسب فرزندان در ازدواج سفید

در عقد ازدواج رسمی با متولد شدن فرزند، روابط حقوقی، مالی و غیرمالی زیادی بین پدر و مادر و فرزند شکل می‌گیرد اما در ازدواج سفید این موضوع کمی متفاوت است. با توجه به اینکه در ازدواج سفید عملاً نکاح به صورت قانونی محقق نمی‌شود رابطه زوجیت نیز مشروع و قانونی نمی‌باشد و هر فرزندی که از این رابطه به وجود بیاید حکم زنا زاده دارد و به فرزندی که در اثر ازدواج مشروع و نکاح رسمی به وجود نمی‌آید در اصطلاح فرزند طبیعی می‌گویند و طبق ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی، طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود. افزودنی است که اغلب زنان به خاطر پرهیز از بی‌آبرویی به دنبال اثبات رابطه ابویت فرزند و والد نمی‌رود و حتی اگر ادعا کنند که صیغه بوده‌اند، در صورت انکار مرد، ادعای زن، به

خاطر ثبت نبودن، قابل اثبات نیست. برای فرزندان و بارداری‌های احتمالی در ازدواج سفید هیچ پیش‌بینی قانونی صورت نگرفته است و همین مساله متاسفانه تعداد کودکان نامشروع و بدون شناسنامه و آمار سقط جنین غیرقانونی و مرگ و میر ناشی از آن را افزایش می‌دهد. اصولاً قانون مدنی به پیروی از فقه اسلامی و در راه حمایت از خانواده مشروع و به منظور جلوگیری از گسترش روابط جنسی آزاد و افزایش اطفال نامشروع طفل متولد از زنا را ملحق به زانی نمی‌داند. مفهوم عدم الحاق قبل از تصویب رأی وحدت رویه مورخ ۱۳۷۶ این بود که نسب طبیعی چنین طفلی نادیده گرفته می‌شد و آثار قانونی نسب مثل ولایت قهری حضانت و... بر آن مترتب نمی‌شد و بنا به تفسیر حقوق و تکالیفی که برای اولاد و والدین و اقارب نسب مشروع وجود داشت برای چنین طفلی به رسمیت شناخته نشده است. در خصوص رویکرد و دیدگاه مخالفین باید گفت که مخالفین بر این باور هستند که رابطه فرزندی و پدری و مادری بین آنها منتفی است و مقتضای قاعده در اینجا انتفاء کل احکام مخصوص به این رابطه است، مگر احکامی که وجودش به خاطر احتیاط یا با دلیل خاص ثابت شود، مانند ازدواج بین آن دو. آنها معتقدند که وطی‌ای که با علم به تحریم، انجام آن شرعاً سزاوار نیست اجماعاً با آن نسب ثابت نمی‌شود. (عبداللهی، ۱۳۹۶: ۳۲) طبق این نظر رابطه فرزندی و پدر و مادری بین آنها منتفی است و همه احکامی که مخصوص به این رابطه است بین آنها منتفی می‌شود، مگر احکامی که به خاطر دلیل خاصی مانند احتیاط در قبال آنها ثابت شود و برای این گفته خود به حدیث نبوی (الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الرَّحْجَرُ) و صحیح حلبی از ابی عبدالله (علیه السلام) قال: أَيْمًا رَجُلٍ وَقَعَ عَلَى وَبَيْدَةٍ قَوْمٍ حَرَامًا ثُمَّ اشْتَرَاهَا ثُمَّ ادَّعَى وَوَلَدَهَا فَإِنَّهُ لَا يُورَثُ مِنْهُ شَيْءٌ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الرَّحْجَرُ وَ لَا يُورَثُ وَ لَدِ الزَّانَا إِلَّا رَجُلٌ يَدَّعِي ابْنًا وَوَلَدَتْهُ. استناد کرده است. (طوسی، ۱۳۹۰: ۱۸۳) آنها می‌گویند که اگرچه در بدو نظر، لفظ ولد براساس اصله الاطلاق و اصله العموم شامل ولد مشروع و نامشروع می‌شود ولی در مسأله ولد حرام، اصل منقلب شده و هیچ یک از آثار آن نباید مترتب شود چون شارع فرموده است این ولد، ولد قانونی و شرعی نیست و جمله الولد للفراش (نکاح صحیح) و للعاهر الحجر بر تمام اطلاق ادله حکومت می‌کند یعنی هرکجا که شارع فرمود: أبناؤکم، آباؤکم... مراد نسب صحیح (ولد شرعی) است. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۱۶) صاحب جواهر نیز برای اثبات این نظریه به اجماع محصل و منقول استناد می‌کند، بلکه ادعای ضرورت می‌کند. مطابق این نظریه‌ها حمل ناشی از زنا در

صورتی که از دو طرف نیز زنا باشد به هیچیک از زن و مرد ملحق نمی‌شود. (قبله‌ای خویی، ۱۳۷۶: ۹) در حقوق فرانسه در این خصوص چالشی ایجاد نخواهد شد، چرا که بر اساس قانون فرانسه، ازدواج سفید به رسمیت شناخته شده است و عاملی برای عدم رسمیت آن وجود ندارد، لذا فرزندان ناشی از ازدواج سفید نیز به زن و مرد منتسب خواهد بود و نسب فرزند به پدر و مادر قانونی خود ملحق خواهد شد.

بند دوم: نفقه و هزینه‌های همسر و فرزندان

اگرچه نکاح یک عقد معاوضی نبوده و به دلیل ماهیت آن فاقد وجهه مالی است، اما عقد ازدواج دارای آثاری است که از آن جمله می‌توان به الزام مرد به پرداخت نفقه به زن اشاره نمود. در حقوق موضوعه، ماده ۱۱۰۲ ق.م. وقوع عقد نکاح را موجد حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر دانسته و به این ترتیب زوج را به مجرد وقوع عقد نکاح، ملزم به پرداخت نفقه زوجه نموده است. از طرفی در ماده ۱۱۰۶ نفقه زن را در عقد دائم به طور مطلق بر عهده زوج قرار داده است. طبق یکی از نظریات مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه در پاسخ به این سوال که آیا بلافاصله پس از نکاح، زوجه حق مطالبه زن نفقه را دارد با استناد به مفاد ماده ۱۱۰۲ ق.م. چنین نظر داده شده همین که نکاح به صحت واقع شد، حقوق و تکالیف زوجین در مقابل یکدیگر برقرار گردیده و به محض وقوع نکاح هم زوج حق دارد تمکین زوجه را بخواهد و هم زوجه حق مطالبه نفقه را خواهد داشت. (روشن، ۱۳۹۱: ۱۳۲) همانگونه که در متن قانون ملاحظه می‌شود شرط تحقق جرم استطاعت مرد و با تشخیص دادگاه است. ترک انفاق اگر مورد شکایت قرار گیرد نسبت به گذشته فاقد جنبه کیفری است ولی نسبت به زمان حاضر دارای جنبه کیفری است. در نتیجه هر آنچه که در مورد استحقاق زن برای دریافت نفقه از سوی زوج در متن قانون وجود دارد و همچنین ضمانت اجرایی ترک آن به حسب آنچه که گفته شد، همگی مشروط به وقوع عقد نکاح به نحو صحت می‌باشد. اما با توجه به این که قوانین حقوقی ایران به تبعیت از نظر مشهور فقهای شیعه قائل به عدم صحت ازدواج سفید می‌باشند، لذا در چنین رابطه‌ای چنانچه زوج از پرداخت نفقه امتناع کند به دلیل مفقود بودن شرط استحقاق نفقه یعنی صحت وقوع عقد نکاح، زوجه مستحق دریافت نفقه نمی‌باشد و در صورت استنکاف زوج امکان پیگیری کیفری وجود ندارد. (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۳۰۳) به بیان دیگر باید گفت که در حقوق ایران

در ازدواج دائم و موقت، فرض نفقه به عنوان یک تکلیف بر عهده شوهر گذاشته شده است و حتی برای آن ضمانت اجرای حقوقی و کیفری در نظر گرفته شده است، اما چون در ازدواج سفید عملاً عقد ازدواجی به صورت دائم و موقت روی نمی‌دهد، نمی‌توان تکلیفی را برای پرداخت نفقه از سوی شوهر به زن در نظر گرفت. در خصوص فرزندان نیز باید گفت که اصولاً هزینه‌های مالی زندگی فرزند تا سنین مشخصی بسته به جنسیت فرزند با پدر می‌باشد اما در ازدواج سفید، پدر هیچ‌گونه وظیفه قانونی جهت پرداخت هزینه‌های فرزند خود، ندارد. قانون ایران طفل ناشی از رابطه نامشروع را در حوزه نفقه به رسمیت نمی‌شناسد، زیرا قانون اینگونه قرابت را که از اسباب نفقه است به رسمیت نمی‌شناسد. در واقع هزینه‌های زندگی فرزند کاملاً بر عهده مادر می‌باشد. البته در این خصوص نظر مخالف وجود دارد که معتقد است می‌توان به چند طریق مسئولیت پدر عرفی را ثابت کرد، مانند محکومیت به نفقه از باب تسبیب. در خصوص تسبیب باید گفت که درباره الزام پدر عرفی به الزام نفقه به فرزند نامشروع عده‌ای از علمای حقوق قائل به تسبیب پدر در ایجاد فرزند و نهایتاً قائل به ملزم شدن او به پرداخت نفقه طفل نامشروع می‌باشند. (امامی، ۱۳۸۷:۱۸۳) می‌توان بر آن بود که انفاق به کسی که محتاج می‌باشد از واجبات کفایی است و عقل وجدان اجتماعی بر متمکنین لازم می‌داند که از او نگهداری و به او انفاق نمایند و پدر و مادر عرفی که سبب ایجاد طفل بوده‌اند از دیگران نسبت به آن طفل اولی می‌باشند بنابراین به نظر می‌رسد بی‌مناسبت نیست پدر و مادر را از باب تسبیب ملزم به انفاق طفل دانست. (امامی، ۱۳۸۷:۱۸۳) در حقوق فرانسه این وضعیت وجود ندارد، چرا که اساساً ازدواج سفید به عنوان امری قانونی و نوعی از ازدواج به رسمیت شناخته شده است، لذا وضعیت نفقه به نحو قانونی در ازدواج سفید نیز وجود دارد، البته لازم به ذکر است که قوانین نفقه در حقوق فرانسه با آنچه که در حقوق ایران وجود دارد متفاوت است، به این ترتیب که در حقوق فرانسه، الزام به انفاق که ناشی از تکلیف معاضدت زوجین نسبت به یکدیگر است بر خلاف حقوق ایران، از تعهدات دو جانبه است. این یک حق و تکلیف متقابل برای زوجین است، بدین معنا که زوج همانطور که برای پرداخت نفقه تکلیف دارد برای دریافت نفقه نیز حق دارد و این وضع عیناً برای زوجه نیز وجود دارد. تعهد در پرداخت نفقه از خصیصه‌های نظم عمومی است و هر کدام از زوجین که توانایی تامین معاش شخص دیگری را داشته باشد تعهد به انفاق او حتی با زوال زوجیت به واسطه طلاق هم ساقط نمی‌شود و پس از فوت هم،

نفقه به نفع همسر بازمانده مطابق ماده ۲۷۰ قانون مدنی فرانسه به مدت یک سال باقی است. (حیدری، ۱۳۹۰: ۸۶) در حقوق مدنی فرانسه، طبق ماده ۵۷ قانون مدنی فرانسه، زوجین به عنوان وظیفه همسری متعهد به انفاق می‌شوند. بند ۳ ماده مذکور مربوط به تعهد به انفاق است و بند ۴ آن درباره مشارکت در تامین هزینه زندگی است. در حقوق فرانسه نفقه تکلیفی دوطرفه است. بر خلاف قوانین ایران که حتی اگر زوجه متمکن باشد در هر صورت نفقه‌اش به عهده زوج است. (فتاحی و پروینیان، ۱۴۰۰: ۶۶) بدیهی است که به واسطه قانونی بودن ازدواج سفید، تکلیف متقابل و دوجانبه نفقه در حقوق فرانسه میان زوجین، در ازدواج سفید نیز ساری و جاری است.

بند سوم: حضانت و ولایت فرزندان

باتوجه به این که پدر طبیعی بچه، مسئولیت قانونی در قبال فرزند خود ندارد، اختیاراتی همچون، حق حضانت، ولایت، اجازه برای ازدواج دختر و... نیز برای پدر طبیعی متصور نیست. استدلالی که برای این مساله می‌توان بیان کرد این است که به واسطه اینکه در ازدواج سفید نسب مشروع ایجاد نمی‌شود، امکان انتساب فرزند به پدر از نظر شرعی و قانونی وجود ندارد، لذا چون از لحاظ قانونی فرزند ناشی از ازدواج سفید اساساً به پدر منتسب نیست، لذا امور فرعی نظیر حضانت، به واسطه فقدان امور اصلی یعنی فقدان نسب، برای پدر منتفی خواهد بود. در مورد سایر آثار نسب به ویژه ولایت قهری و حضانت و در قانون مدنی نص خاصی در خصوص اطفال نامشروع پیش‌بینی نشده و بنا به نظریه سنتی مقتضای عدم الحاق در ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی عدم استحقاق نسب مشروع از این آثار بود و فقط در خصوص نکاح قانونگذار استثنائاً آنرا منشأ اثر قرار داده. اکثر فقها و حقوقدانان در مورد موضوع حضانت بحث نکرده‌اند و شاید علت این باشد که حق ولایت پدر و جدّ فرزند و نیز ولایت پدر و مادر بر حضانت اولاد، از آثار نسب قانونی و شرعی است؛ همان گونه‌ای که فقها و به تبع آن قانون مدنی به آن تصریح کرده‌اند؛ ولی بچه‌ای که از راه ازدواج سفید به وجود آمده است، از نظر نسب با پدر و مادر طبیعی، رابطه شرعی ندارد و شرعاً ملحق به آنها نیست؛ بنابراین پدر و مادر طبیعی، حق ولایت و حضانت بر کودک طبیعی خود را ندارند و از این جهت است که قانون مدنی هم، در رابطه با اولاد نامشروع ساکت است؛ بنابراین باید گفت که حضانت طفل بر پدر و مادر طبیعی، واجب نیست، بلکه از جمله واجبات کفائی

است که بر همهٔ مردم واجب است مخارج و حضانت او را تأمین نمایند و یا اینکه باید بگوییم این گونه امور از وظایف دولت است. با این همه بعضی از شارحان قانون مدنی، به این مسئله توجه کرده‌اند و می‌گویند از آنجایی که طفل احتیاج به نگهداری دارد و این امر از واجبات کفائی است و پدر و مادر که موجب ایجاد طفل مزبور شده‌اند، در نگهداری او سزاوارتر از دیگران‌اند، باید بر اساس عدل و انصاف اجتماعی گفت حضانت این گونه فرزندان هم مانند نسب قانونی است و منحصرأ تکلیف والدین آنان است. به نظر می‌رسد این کلام دارای استناد فقهی است و می‌توان در توجیه آن گفت که آن ادله‌ای که می‌گوید فرزند نامشروع ملحق به پدر و مادرش نیست، دلالت دارد بر اینکه بین آنان توارث وجود ندارد؛ چون توارث از فروعات نسب شرعی است؛ چنان که فقها در بحث از موجبات ارث، به آن تصریح کرده‌اند اما نسبت به سایر احکام مخصوصاً احکامی که برای فرزند بیان کرده‌اند، مانند محرم بودن فرزند با پدر و مادر و امثال آن، آنها را نفی نمی‌کنند؛ یعنی در این گونه احکام، فرزند نامشروع مثل فرزند قانونی هستند. بنابراین پدر طبیعی نمی‌تواند با فرزندگی که نامشروع متولد شده است، ازدواج کند و همچنین مادر طبیعی نمی‌تواند با پسر خودش که از راه نامشروع به وجود آمده است ازدواج کند، اگر چه نسبت شرعی و قانونی هم ندارد، اما این مطلب این گونه نیست که هیچ رابطه‌ای نداشته باشد. بر این اساس باید گفت که حضانت این گونه اولاد هم بر عهده پدر و مادر طبیعی و عرفی است. (صفایی، ۱۳۹۵: ۳۲۷)

در جهت حمایت از این کودکان و قبل از تصویب رأی وحدت رویه ۱۳۷۶ بعضی از اساتید و حقوقدانان از باب مسئولیت مدنی ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی والدین طفل را ملزم به نگهداری از طفل و پرداخت هزینه‌های او می‌دانستند و عده‌ای نیز پدر را ملزم به ایفای تعهد طبیعی خود می‌دانستند که خوشبختانه با تصویب رأی وحدت رویه ۱۳۷۶/۴/۳-۶۱۷ هیات عمومی دیوان عالی کشور وضعیت این اطفال مشخص شد. مطابق این رأی بین طفل مشروع و نامشروع از جهت حقوق و تکالیف، اصولاً تفاوتی وجود ندارد و حسب ماده ۸۸۴ قانون مدنی صرفاً توارث بین اطفال نامشروع و ابویان آنها منتفی است. بنابراین حقوق و تکالیف ابویان طبیعی، مثل حضانت و ولایت باقی است و اعلام ولادت به اداره ثبت احوال و اخذ شناسنامه با نام پدر برای فرزند نامشروع اجباری است. با صدور این رأی وحدت رویه، تحول ارزنده‌ای در جهت حمایت از اطفال متولد از رابطه نامشروع، که نقشی در رابطه مزبور نداشتند، پدید آمد. این رأی مبتنی بر نظر بعضی از فقهای معاصر است که ضابطه مجوزی

برای برقراری رابطه نامشروع بین زن و مرد که در قانون جرم شناخته شده است نخواهد بود.

بند چهارم: وضعیت هدایای در دوران ازدواج سفید

در این خصوص پرسیدنی است که اصولاً اگر زن و مرد، در طول مدتی که زندگی مشترک در قالب ازدواج سفید دارند، به یکدیگر هدیه‌ای داده باشد و بعد از سپری شدن مدت زمانی از زندگی مشترک متوجه شوند که برای زندگی با یکدیگر مناسب نیستند و ازدواج سفید آنها پایان پذیرد، اگر که بخواهند هدایای که در طول ازدواج سفید به همدیگر داده‌اند را پس بگیرند، چه وضعیتی بر عودت این هدایا حاکم خواهد بود؟ به نظر می‌رسد با الهام از قوانین حاکم بر دوران نامزدی که در قانون مدنی آمده است، مانند اینکه وصلت منظور بهم خورده و بنا نباشد که ازدواج صورت گیرد. در این صورت هدایایی که هر یک از طرفین به طرف دیگر یا ابویین او داده است قابل مطالبه و استرداد خواهد بود. (قیاسی، ۱۳۹۷: ۱۲۲) در این خصوص به خصوص در ازدواج سفید نیز اگر عین هدایایی که از زن و مرد به یکدیگر هدیه داده باشند موجود باشد، می‌توان هدایای داده شده را پس گرفت، اما در صورتی که عین هدیه موجود نباشد (به هر دلیلی مانند خراب شدن، از بین رفتن، گم شدن حتی فروخته یا هدیه داده شدن) امکان پس گرفتن هدایا در ازدواج سفید وجود ندارد.

بند پنجم: عدم تعلق مهریه

در قانون مدنی، مهریه از نتایج قانونی بودن ازدواج دائم معرفی شده و توافق طرفین در مقدار و کیفیت آن است، بنابراین اگر در نکاح دائم، مهر ذکر نشده باشد یا عدم مهر شرط شده باشد، نکاح صحیح و طرفین می‌توانند بعد از عقد مهر را به تراضی معین کنند و اگر قبل از تعیین مهر بین آنها نزدیکی واقع شود، زوجه مستحق مهرالمثل است و برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از حیث شرافت خانوادگی و سایر صفات و وضعیت او نسبت به اقربا و امثال و اقارت در نظر گرفته شود. بنابراین طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی، به مجرد وقوع عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید. حال در ازدواج سفید چون عقدی صورت نمی‌گیرد و توافقی بین زن و مرد است، بنابراین مهریه‌ای به زن تعلق نمی‌گیرد، نه شرعاً و نه قانوناً، هرچند انتفاع مرد از زن انجام می‌گیرد و در

اینگونه ازدواج‌ها این خانم‌ها هستند که ضرر می‌کنند، زیرا اگر شرعاً عقد بسته شود، یکی از مهرهای سه‌گانه اعم از مهرالمثل، مهرالمسمی یا مهرالمتعہ به آنها تعلق خواهد گرفت. (مخلص و سجادی، ۱۳۹۸:۵۲) در حقوق فرانسه اما به واسطه رسمی بودن ازدواج سفید، وضعیت مهریه در ازدواج رسمیت دارد و زوجه حق مطالبه مهریه را خواهد داشت.

بند ششم: منع نکاح

در مورد منع نکاح، قانون مدنی در ماده ۱۰۴۵، به پیروی از قول مشهور فقهای امامیه، نسب نامشروع را ردیف نسب مشروع قرار داده و تفاوتی بین این دو نسب قائل نشده. مسلم است که دلیل این منع وجود رابطه خونی و طبیعی بین طفل والدین و سایر اقربا است، نه رابطه قانونی نسب. بنابراین همانطور که طفل نمی‌تواند با اولاد و پدر و مادر مشروع خود ازدواج کند، نمی‌تواند با اولاد و پدر و مادر نامشروع خود نیز ازدواج کند. (صفایی، ۱۳۹۵:۳۲۶) در حقوق فرانسه نیز وضعیت به همین ترتیب است و فرزندان ناشی از ازدواج سفید امکان ازدواج با پدر و مادر خود را ندارند، در واقع پس از ژانویه ۱۹۹۷ در ماده ۳۳۴ قانون مدنی فرانسه عنوان شد که روابط بین فرزند طبیعی که می‌تواند ناشی از ازدواج سفید باشد و نیاکان پدری و مادری به واسطه همان دلایل فیزیولوژی و اخلاقی ممنوع است. (لبانی مطلق، ۱۳۸۴:۴۰)

بند هفتم: عدم ثبت واقعه ازدواج

یکی از آثار ازدواج و ثبت آن امکان جدایی و طلاق در صورت لزوم، زیر چتر حمایتی هرچند حداقلی قانون و اجتماع است. با اجرای درست قوانین خانواده در نهادهای قضایی و تمکین مرد از احکام دادگاه‌ها، زن در معرض طلاق می‌تواند تحت شرایطی نفقه، منزل مستقل و حضانت فرزندش را تقاضا کند. همچنین به منظور برخورداری از حمایت‌های اقتصادی می‌تواند به سازمان‌های غیردولتی و حتی بهزیستی مراجعه کند؛ اما اگر یکی از طرفین ازدواج سفید راضی به جدایی نباشند، پایان دادن به زندگی مشترک، به ویژه در صورت داشتن فرزند، به راحتی میسر نیست و می‌تواند مشکلات بسیاری برای زنان به همراه داشته باشد، از جمله اخاذی و تهدید که یکی از مخاطرات جدایی یکطرفه محسوب می‌شود. در این نوع زندگی مشترک، طرفین از یکدیگر ارث نمی‌برند. همچنین زن نمی‌تواند از خدمات بیمه اجتماعی شریک زندگی‌اش استفاده کند. عموماً زنان در این نوع روابط همواره

در معرض آسیب‌های متعدد اجتماعی، روانی، اقتصادی و حتی جسمی قرار می‌گیرند و ساختار حقوقی و فقهی قوانین در ایران نمی‌تواند تأمین‌کننده حمایت درخوری از آنها باشد. همچنین در فصل هفتم از قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۲ به مقررات کیفری مربوط به عدم ثبت واقعه نکاح اشاره شده است که در ماده ۴۹ از آن می‌خوانیم: «چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است». نکته مهمی که باید در مورد ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مدنظر قرارداد عبارت «علقه زوجیت» است. در بادی امر به نظر می‌رسد که علقه زوجیت مورد نظر مقنن «علقه زوجیت قانونی» باشد؛ اما با توجه به نظریه مورخ ۱۳۶۳/۵/۹ شورای نگهبان در خصوص مقررات سابق قانون حمایت خانواده و ماده یک قانون ازدواج، باید گفت که اگر علقه زوجیت به طریق شرعی و البته غیررسمی (غیرقانونی) بین زن و مردی حاصل شده باشد، چون این علقه شرعی باعث محرمیت در بین آنها خواهد شد، لذا ارتباط بین چنین زن و مردی رابطه نامشروع تلقی نمی‌شود. بنابراین «با وقوع عقد ازدواج به نحو صحیح ولو به طور غیررسمی، زن و مرد به زوجیت یکدیگر در می‌آیند و از کلیه حقوق و وظایف زوجیت استفاده می‌کنند و از این جهت نمی‌توان هیچکدام را تعقیب جزایی نمود». (نظریه مشورتی ۷/۱۳۷۴ - مورخ ۱۳۷۶/۵/۹) همچنین با توجه به اینکه شرط در تحقق رابطه نامشروع موضوع ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی عدم علقه زوجیت است، در صورتی که دادگاه وجود رابطه زوجیت را بر اساس عقد ازدواج منقطع به اظهار طرفین ثابت و صادق بداند، مجوزی برای اعمال مجازات مقرر در ماده ۶۳۷ نخواهد بود. (نظریه مشورتی ۷/۵۸۸۱ - مورخ ۱۳۷۹/۹/۱۵) به نظر می‌رسد حتی در صورتی که ازدواج بین زن و مردی از نوع «نکاح معاطاتی» نکاح به لفظ مطلق و فعل مطلق، نه به لفظ خاص یا کتابت، بین زن و مردی که مانع شرعی برای ازدواج ندارند، باشد، علیرغم اختلاف نظرهایی که بین فقها در پذیرش یا رد این نوع نکاح وجود دارد، ارتباط آنها مشروع تلقی شده و مشمول عنوان رابطه نامشروع نخواهد شد. در نتیجه بر فرض ادعای زوجین مبنی بر انعقاد ازدواج موقت حتی اگر به صورت معاطاتی واقع شده باشد در فرض یاد شده (صحت

نکاح معاطاتی) عدم ثبت واقعه ازدواج موقت به غیر از مواردی که ثبت آن الزامی است، اقدامی مجرمانه نخواهد بود. در خصوص ازدواج سفید در حقوق فرانسه باید گفت که اصولاً شرکای این زندگی، آدرس محل زندگی و مشخصات خود را به طور کامل به پلیس محلی اعلام کرده و مراتب در اداره پلیس ثبت می‌شود تا در صورت بروز اختلاف، فرزنددار شدن، جدا شدن و موارد مشابه، رفع تنازع شود. از نظر توافقات شیوه زندگی، همه چیز روشن بوده و هریک از آنان با درصد توافق شده، در این روش زندگی ایفای نقش می‌کنند. اگر توافق بر انشقاق و جدایی از یکدیگر کنند، اموال حاصله در مدت زندگی مشترک بین آنها تقسیم شده و هریک سهم خود را دریافت کرده و جدا می‌شوند، تقسیم اموال و دارایی‌های مشترک در فرانسه نیز به دو عامل بستگی دارد:

۱. چگونگی جدایی دو همسر؛ که به صورت دوستانه باشد یا غیردوستانه. در صورت دوستانه بودن، با توافق طرفین تقسیم انجام می‌شود، اما در موارد غیرتوافقی دادگاه حکم تصفیه اموال را ضمن حکم طلاق صادر و اداره ثبت اسناد رسمی عهده‌دار اجرای حکم خواهد بود.

۲. نوع اساسنامه تعیین‌کننده منافع مالی دو همسر (قرارداد زمان ازدواج)، مقدار اموال متعلق به هریک از دو همسر، بستگی به نوع اساسنامه تعیین‌کننده منافع مالی آنان دارد. روشن است که تقسیم تنها در مورد اموال مشترک انجام می‌پذیرد. اگر کسی اموال شخصی‌اش را با اموال مشترک آمیخته باشد، هنگام طلاق می‌تواند اموال شخصی خود را بازپس گیرد. چنانچه این اموال دیگر وجود نداشته باشد، می‌تواند اموالی را که جایگزین اموال از دست رفته شده است، به جای آنها تصاحب کند. اما اگر به دلیل کافی نبودن اموال جدید نتواند اموال از دست رفته خود را بازپس گیرد، می‌تواند درخواست غرامت کند. اساساً قوانین در کشورهای مختلف فرض می‌کند که هر زوجی، از نظر مالی و سایر موارد به‌طور مساوی در پیوند زناشویی سهم دارند؛ و زمانی که ازدواج خاتمه یابد، قانون کلی اینست که هر دو سرمایه خالص خود را به‌طور مساوی قسمت کنند، و فرقی نمی‌کند چه کسی هزینه آنرا پرداخته یا بنام چه کسی بوده‌است. تقسیم اموال خانوادگی، به این معناست که دارائیها و بدهی‌ها را، هر دو بین خود تقسیم کنند.

محاكم قضایی در صورت اطلاع پلیس محلی از این موضوع دعاوی این افراد را پذیرفته و استماع می‌کند و زن به همان اندازه حق دارد که مرد دارای حق است. به عبارت دیگر در

نظام حقوقی فرانسه، ازدواج سفید و قوانین مربوط به این پدیده خانوادگی مورد قبول محاکم قضایی و قانونی می‌باشد. (قنبریان، ۱۳۹۷: ۷)

بند هشتم: وضعیت ارث طرفین و فرزندان در ازدواج سفید

در حقوق مدنی ایران، به واسطه اینکه در ازدواج سفید عقد قانونی بین دو طرف وجود ندارد، هیچ‌یک از ضوابط و قیدها و مسئولیت‌های بین زن و شوهر نیز وجود ندارد و تقریباً همه چیز بستگی به توافقات دو طرف دارد که البته این توافق نمی‌تواند مغایرت با قوانین داشته باشد. از آنجایی که مبنا و دلیل ارث بردن شخصی از شخص دیگر در قانون مدنی، یا نسب یا سبب (ازدواج) می‌باشد و در ازدواج سفید، عقد قانونی بین زن و مرد وجود ندارد، لذا در صورت فوت یکی از زن و مرد، شخصی که زنده است از همسر فوت شده خود ارث نخواهد برد، زیرا هیچ‌کدام از مبانی ذکر شده ارث، وجود ندارد. به بیان دیگر باید گفت چون ماده ۸۶۱ قانون مدنی، موجب ارث را صراحتاً دو عامل سبب و نسب تلقی کرده است و در ازدواج سفید زوجیت به واسطه عدم اجرای صیغه بین زن و مرد وجود ندارد، در فرض فوت یکی از آنها، دیگری از فرد فوت شده ارث نخواهد بود زیرا رابطه سببی که یکی از موجبات ارث محسوب می‌شود، بین طرفین وجود ندارد. در خصوص وضعیت ارث فرزندان نیز باید گفت که چون در ازدواج سفید، نسب بین پدر و فرزند شکل نمی‌گیرد و با توجه به مطالب بالا که در خصوص علت ارث ذکر کردیم: ۱- نسب ۲- سبب، فرزند طبیعی نسبت به پدر هیچ کدام از مبانی ارث را ندارد، پس نه پدر از فرزند ارث می‌برد نه فرزند از پدر. اما در خصوص مادر، فرزند از لحاظ نسب به مادر منتسب می‌شود، به دلیل اینکه در بند فوق بیان کردیم که در ازدواج سفید امکان نسب بین پدر و فرزند به وجود نمی‌آید، اما به دلیل تولد فرزند از مادر، امکان عدم انتساب فرزند ناشی از ازدواج سفید به مادر وجود ندارد، در نتیجه در فرض ازدواج سفید و تولد فرزند ناشی از آن، هم مادر از فرزند ارث می‌برد و هم فرزند از مادر. به این ترتیب باید گفت که اصولاً قانون مدنی ایران به واسطه پشتیبانی فقه شیعه، طفل متولد شده از رابطه غیر ازدواج و به نوعی ولدزنا و طفل نامشروع ناشی از ازدواج سفید را از حق ارث محروم می‌داند. زیرا این فرزند قانوناً فرزند زن و مرد نیست و آن دو قانوناً پدر و مادر او نیستند، پس آنان از یکدیگر ارث نخواهند برد و اقوام پدر و مادر از او و وی از اقوام و خویشان ارث نخواهد برد، بلکه صرفاً فرزند او و شوهر یا زن فرزند ناشی از ازدواج سفید از

وی ارث خواهند برد و او نیز از آنان ارث می‌برد و در صورتی که این ورثه وجود نداشته باشد، وارث او امام خواهد بود. هیأت عمومی دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره ۶۱۷ مورخ ۱۳۷۶/۴/۳ ممنوعیت ارث را مورد اشاره قرار داده است. البته در همین خصوص برخی از حقوقدانان نظر مخالف داشته و برای نظریه خود نیز استدلال‌های را ارایه کرده‌اند، از جمله معتقدند که ارث نبردن طفل حاصل از رابطه نامشروع در ازدواج سفید از پدر و مادر، نظر اجماعی فقیهان نیست، زیرا روایات استنادی نظریه مشهور، اخبار واحدی است که دلالتی بر ارث نبردن زنازاده از پدر و مادر ندارند، همچنین این روایات با احادیث معتبر دیگری در تعارضند. فقیهان نامداری هم برخلاف نظر مشهور، به ارث بردن زنازاده از پدر و مادر خود فتوی داده‌اند. روایات استنادی تنها بر ارث نبردن پدر از فرزند (زنازاده) دلالت دارند. با وحدت ملاک از روایات و رعایت تساوی در مجازات زناکار، همین حکم درباره مادر نیز جاری بوده است، ولی مفاد هیچ‌یک از روایات، بر ارث نبردن زنازاده از پدر و مادر خود دلالت ندارند. این استنباط با اصول دیگر فقهی و حقوقی نیز سازگاری دارد، لذا می‌توان چنین استنباط کرد که به سبب عمل نامشروع، پدر و مادر از زنازاده، ارثی نمی‌برند تا بدین سبب به نوعی تأدیب شوند. بنابر نظر فقها و دانشوران اصولی، عمومات قرآنی را می‌توان با روایات تخصیص زد. البته باید خصص و اعتبار سندی و دلالتی آن اطمینان داشت. در غیر این صورت «اصاله العموم» حجت خواهد بود. روایات مستند نظر مشهور در رویارویی با قواعد مسلم مربوط به ارث است. همچنین این روایات به دلیل ضعف سندی و دلالتی، توانایی تخصیص عمومات دال بر رابطه توارث میان خویشاوندان را ندارند، به ویژه اینکه مضمون آنها سلب حق است. با ادله غیراستوار نمی‌توان کسی را از حقی که برابر عموم و اطلاق ادله از آن برخوردار است به آسانی محروم کرد. نظر مشهور فقیهان با قواعد فقهی کلامی همچون قاعده عدالت و نفی ظلم، اصل شخصی بودن مسئولیت و همچنین اصل مساوات و برابری نیز در تعارض می‌باشد، لذا درست است که این اصول در فقه رایج به طور مطلق پذیرفته نشده نشده‌اند و مورد مناقشه‌اند، اما در موضوع بحث، ضعف ادله استنادی می‌تواند سبب رجوع به همین اصول و قواعد باشد. نتیجه پذیرش نظر مشهور، کنار گذاشتن اصول عقلی و کلامی و تأیید نوعی تبعیض ناروا است که عقلاً محال می‌باشد؛ بنابراین نظریه ارث بردن زنازاده از پدر و مادر نیز دارای مبانی فقهی خاص خود است که می‌تواند مورد توجه قانون‌گذار نیز قرار گیرد. (نوبهار، ۱۳۹۸: ۱۸۰) با توجه به اینکه خود کودکان در نوع

تولد و رابطه مشروع یا غیرمشروع والدین خود تقصیری نداشته‌اند، بنابراین، نباید آنها را از حقوق اکتسابی محروم کرده و میان کودکان با ملاک "نوع تولد"، تبعیض قائل شد. بر فرض که از نظر شرعی، تولد نامشروع سبب بروز روحيات و خلیقات منفی در طفل گردد، اما فرض عکس آن نیز متصور است و آن این است که این کودک نیز بتواند با تقویت نفس و تقوا، خود را از منظر شرعی تقویت ساخته و وارسته گردد. در نتیجه صرف نوع تولد از رابطه خارج از ازدواج که امری مذموم و نامشروع بوده و تقصیر آن نیز متوجه زن و مرد بوده است، نباید بر فرزند ناشی از این رابطه تحمیل شود و او را از حقوقش محروم گرداند. در خصوص ارث میان زوجین و فرزندان در حوزه حقوق فرانسه نیز باید گفت که ارث میان زوجین تابع همان قانون ارث در حقوق فرانسه است و در این خصوص ازدواج سفید و این رابطه میان زوجین، سبب استثنایی شدن مساله ارث بر قواعد عام ارث نشده است. در خصوص ارث کودکان نیز باید گفت که اگر هریک از والدین طفل بمیرد، در این صورت، طفل ناشی از ازدواج سفید به دلیل قانونی تلقی کردن ازدواج سفید در حقوق فرانسه، از همان حقوق ارثی بهره‌مند خواهد بود که اگر به صورت مشروع و قانونی نیز متولد می‌شد، از آنها بهره‌مند می‌برد.

نتیجه گیری

نتایج و یافته‌های پژوهش پیرامون مساله ازدواج سفید و اثرات و تبعات حقوقی ناشی از آن موید این مطلب است که این سبک و روش از ازدواج سفید که در حقوق غربی نظیر کشور فرانسه به رسمیت شناخته شده است، در حقوق ایران که منبعث از فقه شیعه و دین مبین اسلام است با موانع جدی روبرو است و همباشی زن و مرد و همخانگی آنها، علیرغم اینکه در حقوق فرانسه با مانعی روبرو نیست، در حقوق ایران اثرات و تبعات سنگین حقوقی در پی خواهد داشت. با مطالعه انجام شده مشخص شد که ازدواج سفید در حقوق ایران با آنچه که از ازدواج مشروع موقت یا دائم می‌شناسیم کاملاً متفاوت بوده و اصولاً چنین رابطه‌ای نه تنها رسمی و شرعی نیست، بلکه از منظر حقوق کیفری قابل تعقیب خواهد بود. ضمن اینکه این نوع از رابطه، زن را از حقوق مالی نظیر مهریه و نفقه محروم خواهد ساخت، چرا که مهریه یا نفقه، معلول علتی به نام ازدواج رسمی و ثبت آن است، حال آنکه در ازدواج سفید، نکاح به شکل متداول انجام نمی‌شود، صیغه محرمیت جاری نشده و ازدواجی

نیز در مراجع رسمی ثبت نمی‌شود، بنابراین زن از حقوقی نظیر مهریه یا حتی نفقه محروم خواهد ماند. همینطور از جمله دیگر آثار حقوقی ازدواج سفید در حقوق ایران، عدم الحاق نسب فرزند است که این موضوع مشکلات عدیده‌ای را برای آینده آن فرزند رقم خواهد زد، چرا که از نظر قانونی، آن طفل، یک طفل ناشی از رابطه نامشروع محسوب خواهد شد که تبعاً از ارث محروم بوده و از شهادت در دادگاه یا تصدی مقام قضاوت نیز محروم خواهد بود. نتایج تحقیق همچنین بیانگر این است که در حقوق ایران به واسطه عدم مشروعیت ازدواج سفید، زن و مرد از ارث نیز محروم خواهند بود، زیرا به موجب ماده ۸۶۱ قانون مدنی، ایجاد ارث باید به واسطه نسب یا سبب باشد که چون در ازدواج سفید، عقد ازدواج منعقد نمی‌شود، پس رابطه نسبی و سببی نیز ایجاد نشده و ارث منتفی خواهد بود. اما نتایج تحقیق در خصوص کشور فرانسه نشان داد که چنین چالش‌هایی در حقوق این کشور ایجاد نخواهد شد، چرا که بر اساس قانون فرانسه، ازدواج سفید به رسمیت شناخته شده است و عاملی برای عدم رسمیت آن وجود ندارد، لذا فرزندان ناشی از ازدواج سفید نیز به زن و مرد منتسب خواهد بود و نسب فرزند به پدر و مادر قانونی خود ملحق خواهد شد و وضعیت نفقه و مهریه یا حتی ارث نیز به نحو قانونی در ازدواج سفید وجود دارد. در پایان باید گفت که هرچند پدیده ازدواج سفید از نظر قانونی و شرعی با مانع روبرو شده است، اما از رویکرد فراحقوقی و یا رویکرد اجتماعی، به عنوان یک حقیقت در سطح جامعه وجود دارد و روز به روز به میزان آن افزوده می‌شود، لذا به نظر می‌رسد که صرف وضع کیفر، محرومیت از حقوق، سرکوب و مواجهه قهری با آن، نتواند در نهایت راهگشای این چالش باشد، لذا پیشنهاد می‌شود با ارایه برخی از راهکارها، بعضی از اثرات منفی ازدواج سفید در جامعه را تلطیف نمود، از جمله اینکه فرزند ناشی از ازدواج سفید، به واسطه اینکه خود در نوع تولد و شکل آن نقشی نداشته است نباید از حقوق حقه نظیر ارث یا نفقه محروم شود، بلکه می‌توان فروضی از ارث را برای او تصور کرد یا حتی همانطور که دکتر امامی اعتقاد دارند، میتوان از باب تسبیب، تکلیف به پرداخت نفقه به این فرزندان از سوی پدر را در نظر گرفت، کما اینکه طبق فتوای امام خمینی، تکلیف اخذ شناسنامه این فرزندان بر عهده زن و مرد گذاشته شده است و می‌توان با استفاده از ظرفیت فقهی، اگر نمیتوان این ازدواج را به واسطه مغایرت با فقه و دین به رسمیت شناخت، لااقل از اثرات و تبعات بیشمار آن مخصوصاً نسبت به فرزندان ناشی از این ازدواج کاست.

منابع و مأخذ

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۸۷.
۲. انصاری، مریم، عطا و لقای ازدواج سفید، مقایسه دو تجربه، خبرگزاری دویچه وله، ۶ اوت، ۲۰۱۵.
۳. حیدری، حسن، نفقه زوجه در حقوق ایران، فرانسه و سوئد، نشریه زن و فرهنگ، شماره ۷، ۱۳۹۰.
۴. خسروی، رحیم، بررسی تطبیقی همباشی در حقوق ایران و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران، ۱۳۹۷.
۵. روشن، محمد، حقوق خانواده، تهران، نشر جنگل، ۱۳۹۱.
۶. صفایی، سید حسین و امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۵.
۷. طوسی، محمدبن حسن، استبصار فیما اختلف من الاخبار، جلد سوم، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰.
۸. عبدالمهی علی بیک، حمیده و خاوران، سیده ندا، نسب فرزند نامشروع و آثار آن از منظر فقه و حقوق، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۶.
۹. فتاحی، سیدمحسن و پروینیان، فریبا، حقوق مالی زوجه در طول زندگی مشترک در ایران و فرانسه، نشریه مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده، شماره ۶، ۱۴۰۰.
۱۰. قبله‌ای خویی، خلیل، بررسی احکام فقهی و حقوقی کودکان نامشروع، نشریه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۱۴، ۱۳۸۱.
۱۱. قنبریان، مهدی، بررسی ازدواج سفید در نظام حقوقی ایران و غرب (مدرنیته)، نشریه مطالعات حقوقی، شماره ۱۷، ۱۳۹۷.
۱۲. قیاسی، سیامک، احوال شخصیه کشورهای اسلامی، قم، نشر مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۷.
۱۳. لبنانی مطلق، محمدصادق، موانع نکاح در حقوق ایران و فرانسه، نشریه گواه، شماره ۴ و ۵، ۱۳۸۴.
۱۴. محقق داماد، سید مصطفی، بررسی فقهی حقوق خانواده: نکاح و انحلال آن، تهران،

مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۵.

۱۵. مخلصی، فاطمه و سجادی، زهرا، آثار و پیامدهای حقوقی ازدواج سفید در ایران، نشریه پژوهش‌های اسلامی زن و خانواده، شماره ۱، ۱۳۹۸.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، کتاب النکاح، جلد دوم، قم، نشر مدرسه اما علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۴

۱۷. نوبهار، رحیم و حسینی، سیدجعفر، نقد فتوای مشهور فقهای امامیه درباره ارث کودکان متولد از رابطه نامشروع، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۸۸، ۱۳۹۸.

۱۸. Bliss, Alan, A Dictionary of Foreign Words and Phrases in Current English, London: Routledge, ۱۹۹۶.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی